



شکل گیری منطقه‌ی زوپا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

حمید احمدی نژاد^۱ | شهره پیرانی^۲ | سجاد قیطاسی^۳

چکیده

تحولات سوریه با شروع اعتراضات، درگیری‌ها و ائتلاف‌های داخلی به موازات رقابت‌های خارجی زمینه‌ی تبدیل شدن به یک بحران تمام‌عیار را به وجود آورد. طی چند سال اخیر علی‌رغم فروکش کردن شدت بحران، اما می‌توان آن را آتش زیر خاکستری دانست که با هر جرقه‌ای احتمال برافروختن آن وجود دارد. یکی از علل کاهش دامنه‌ی بحران توافقات دو بازیگر مؤثر منطقه‌ای در این بحران یعنی ایران و ترکیه با وجود اختلافات ابتدایی بوده است. این مقاله با اتکاء بر رهیافت زوپا (ZOPA) به دنبال پاسخ به این سؤال است که؛ علت و نقاط مورد توافق منطقه‌ی زوپا بین ایران و ترکیه به عنوان کنشگران تأثیرگذار در بحران سوریه چیست؟ در بحران سوریه به عنوان پژوهش بر مبنای استدلال کل به جزء و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی حاکی از آن است که چرخش اوضاع سوریه به نفع ایران زمینه‌ی گرایش ترکیه به ایجاد منطقه‌ی توافق را فراهم آورد که در این منطقه بر روی موارد ماندن اسد در قدرت، حفظ تمامیت ارضی سوریه، بازگشت آوران سوری و بازسازی سوریه بین دو کشور توافق صورت گرفت.

واژگان کلیدی: بحران، بحران سوریه، کنشگران منطقه‌ای، منطقه‌ی زوپا، نقاط توافق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شماره ۴ (۳۱)

سال ۱۰
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۹/۱۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۲/۲۱
صص: ۹۰-۱۱۱



DOI: 10.27834/CSIW.2312.1327.4.31.2

۱ پسادکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، ahmadinejad@khu.ac.ir

۲ استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، sh.pirani@shahed.ac.ie

۳ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، gheytasisajad@gmail.com

استناد: احمدی نژاد، حمید؛ قیطاسی، سجاد و پیرانی، شهره. (۱۴۰۲). شکل‌گیری منطقه‌ی زوپا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۰(۴)، ۹۰-۱۱۱.



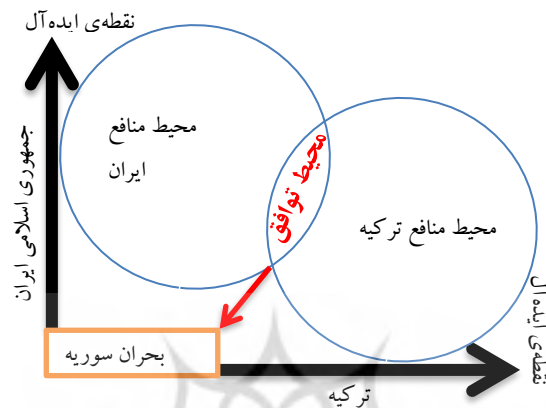
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

بحران سوریه به معنای واقعی مصداق یک بحران جهانی بود. در کنار رفتارهای خشونت‌بار گروه‌های قومی و مذهبی در سوریه، نقش آفرینی فعال قدرت‌های خارجی بر پیچیدگی و شدت این بحران افزود به نحوی که وزن عوامل بین‌المللی بر سایر عوامل مؤثر در بحران سنگینی می‌کرد. بازیگران خارجی در هر دو سطح جهانی و منطقه‌ای و با اهداف مختلفی در این بحران حضور داشتند. آمریکا و روسیه و چین کنشگران و قدرت‌های جهانی فعال در این بحران بودند و در کنار آن‌ها نیز قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و عربستان هر یک در راستای منافع، آرمان‌ها و اهداف خود به ایفای نقش در این بحران می‌پرداختند. به طور کلی فعالیت این کشورها چه جهانی و چه منطقه‌ای در سوریه، در دو جبهه‌ی مقابل هم یا ذیل حمایت از داعش و گروه‌های معارض با دولت اسد یا در جهت حمایت از اسد به‌عنوان دولت قانونی و رسمی سوریه بود. البته در این میان در کنار این دو جریان اصلی گاهی حمایت از کردها و ارتش آزاد و یا سیاست تضعیف آن‌ها نیز دنبال می‌شد. اما به هر حال در خصوص روند اصلی یعنی تقابل بین گروه‌های معارض و دولت اسد، آمریکا اگرچه به دنبال تضعیف داعش بود اما هم‌زمان سیاست اصلی یعنی ساقط کردن دولت بشار اسد را نیز دنبال می‌کرد. در سمت مقابل روسیه ضمن تعقیب تضعیف داعش به دنبال حمایت از دولت سوریه بود. در سطح منطقه‌ای همین تقابل به ترکیه و ایران به چشم می‌آید. به این معنا ترکیه به دنبال تضعیف کردها و رژیم سوریه بود، اما ایران حامی رژیم سوریه و به دنبال تضعیف معارضین حکومت دوست و متحد خود بود. در کنار این دو کشور، عربستان و اسرائیل با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران ساقط کردن رژیم حاکم سوریه با حمایت از معارضین این کشور را دنبال می‌کردند. با توجه به این توضیحات بحران سوریه را به راحتی می‌توان آوردگاه و میدان نبردی بین رقبا برای نشان دادن برتری قدرت، هژمون‌سازی و افزایش نفوذ جهانی یا منطقه‌ای توصیف کرد. مبتنی بر این فرض، پژوهش حاضر با تمرکز بر رقابت ترکیه و ایران به عنوان کنشگران منطقه‌ای مؤثر در بحران سوریه به دنبال تبیین علت کاهش اختلافات و نقاط مورد توافق طرفین پس از گذشت تقریباً یک دهه از این بحران است. نویسندگان برای رسیدن به این هدف از مدل زوپا به‌عنوان مدلی مناسب جهت بررسی موضوع بهره می‌گیرند. سؤال محوری پژوهش آن است که علت و نقاط مورد توافق منطقه‌ی زوپا بین ایران

شکل گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

و ترکیه به عنوان کنشگران تأثیرگذار در بحران سوریه چیست؟. مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به صورت نمادین این گونه نشان داد:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (نویسندگان)

۱- مبنای تحلیل پژوهش؛ مدل زویا

مذاکره فرآیندی است که براساس آن دو یا چند نفر منافع فردی خود را از طریق اقدام مشترک دنبال می‌کنند (Oliveira Dias, 2019: 3). مبتنی بر این تعریف، مذاکره کنندگان برای رسیدن به معامله باید یک زمینه‌ی مشترک داشته باشند که این زمینه باعث تأمین منافع همه‌ی آنها شود. این زمینه‌ی مشترک منطقه‌ی احتمالی توافق یا محدوده‌ی چانه‌زنی که به طور اختصار آن را زویا می‌نامند، نام دارد. به این ترتیب، زویا محدوده‌ای در اختلافات است که در آن دو یا چند طرف می‌توانند زمینه‌های مشترکی برای توافق پیدا کنند. این منطقه مبتنی بر آن است که در حداقل برخی از ایده‌های بازیگران را در بر می‌گیرد (Merino, 2017). بنابراین می‌توان زویا را محیط و منطقه‌ی همپوشانی منافع دو یا چند طرف در مذاکره، دادوستد، بستن قرارداد و یا هر چیزی دیگری تلقی کرد. اما در ارتباط با مباحث روابط بین‌الملل و سیاست جهانی، زویا به واقع حوزه احتمالی

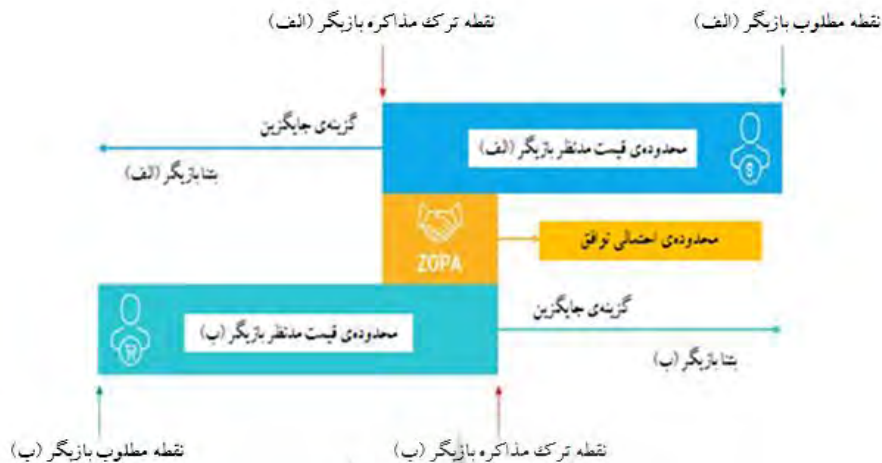
1. Zone of Possible Agreement (ZOPA)

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

شکل‌گیری توافق میان بازیگران حاضر در یک بحران است که برای پرهیز از تداوم منازعه، درگیری مستقیم یا جنگ به گفتگو درباره‌ی مسائل تقریباً مشترک روی می‌آورند. به عبارت دیگر، محدوده‌ای که نیل به توافق میان طرفین را بر مبنای منافع آن‌ها امکان‌پذیر می‌سازد را منطقه‌ی زوپا می‌نامند. این حوزه، دستیابی به «گزینه‌های بهتر» را به جای «بهترین گزینه‌ها» یا ناکامی در رسیدن به توافق را برای هر طرف مدنظر قرار می‌دهد. تفسیر این فرض را می‌توان براساس مدل‌های تصمیم‌گیری، مدل رضایت‌بخش نامید. به این معنا که تحت تأثیر منطقه‌ی احتمالی توافق، ترجیحات افراد با تغییر شرایط دچار تحول می‌گردد (Clark and Lisowski, 2017: 2). به این معنی که تصمیم‌گیرندگان الزاماً به دنبال حداکثر سود نیستند و در نتیجه گاهی برعکس اصل مطلوبیت در مدل عقلانی تصمیم می‌گیرند. این خلاف مدل عقلانی عمل کردن را هربرت سایمون مدل رضایت‌بخش می‌نامند که براساس آن افراد به یک تصمیم اکتفا می‌کنند در حالی که این تصمیم آستانه‌ی اهداف آن‌ها را تأمین می‌نماید (Mintz and Sofrin, 2017: 3). به این ترتیب باید گفت اگر توافق بالقوه‌ای وجود داشته باشد که در آن سود هر دو طرف بیشتر از سایر گزینه‌های جایگزین باشد، یک منطقه توافق احتمالی شکل خواهد گرفت. البته تعیین این که زوپا وجود دارد یا نه دشوار و زمان‌بر است، چرا که زوپا زمانی شناخته می‌شود که طرفین منافع و گزینه‌های مختلف خود را بررسی و در این مسیر رسیدن به آن‌ها را سخت و دشوار تشخیص دهند. مدل شکل‌گیری توافق زوپا در مسائل مختلف را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه



شکل ۲. فرآیند شکل‌گیری منطقه‌ی احتمالی توافق (Duerfeldt, 2018)

در ارتباط با نحوه‌ی تطبیق این مدل بر موضوع پژوهش باید گفت که، پیچیدگی مسائل خاورمیانه و نقش تأثیرگذار ایران و ترکیه در روندهای آن، باعث شده تا طیف گسترده‌ای از مباحث قابل مذاکره در این منطقه در روابط دو کشور وجود داشته باشد. یکی از مهم‌ترین این مسائل مربوط به بحران سوریه است که دو کشور به خصوص طی چند سال اخیر نشان داده‌اند به سمت وسوی این منطقه و شکل‌گیری توافق در آن حرکت کرده‌اند. این منطقه شامل مهم‌ترین توافقات میان این دو بازیگر بوده که خود متأثر از تحولات میدانی و میزان نفوذ این بازیگران در روند بحران سوریه بوده است.

۲- بحران سوریه: میدان رقابت هژمون‌گرایی منطقه‌ای

ایران و ترکیه به عنوان کشورهای قدرتمند منطقه‌ای در بحران سوریه در ابعاد مختلفی با یکدیگر در رقابت بودند. به واقع این دو کشور هر یک دارای منافع، دیدگاه‌های سیاسی و استراتژیک متفاوتی در بحران سوریه بودند و همین زمینه‌ی تضاد منافع و رقابت آن‌ها در این بحران را فراهم آورده بود. ترکیه به دلیل وجود کردها در شمال سوریه از یک سو و تقابل با دولت اسد در حالی که

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

در نقطه‌ی مقابل، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حامی دولت اسد و رهبر ائتلاف شیعی در تقابل با خواسته‌های ترکیه قرار گرفته بود. علاوه بر این همراهی و همگرایی این دو کشور با سایر بازیگران مؤثر و تأثیرگذار در بحران سوریه نیز در دو جبهه‌ی متضاد قرار داشت. به این معنا ترکیه در محور غرب به رهبری آمریکا و همراهی با عربستان و اسرائیل نقش آفرینی می‌کرد و ایران در سمت مقابل در محور روسیه و تا حدودی چین به ایفای همکاری می‌پرداخت. اما با وجود همه‌ی این تقابلهای اغراق نیست اگر میدان بحران سوریه را آوردگاه تقابل ترکیه و ایران در جهت قدرت‌سازی، نمایش نفوذ و به زبان بهتر هژمون‌سازی منطقه‌ای قلمداد کرد. از این منظر در ادامه ضمن ارائه‌ی نمادین تقابلهای ترکیه و ایران در بحران سوریه، به بررسی چارچوب رقابت بین دو کشور در قالب هژمون‌سازی پرداخته می‌شود:



شکل ۳. ابعاد تقابل ترکیه و ایران در بحران سوریه (نویسندگان)

۲-۱- رقابت ترکیه با ایران در بحران سوریه

ترکیه از جمله نیروهای نوظهور جهان است که سیاست خارجی آن به‌ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه به نحو فزاینده‌ای فعال است (Alfajri, 2018: 58). در همین ارتباط پیگیری نوستالژی احیای ابرقدرتی خاورمیانه همواره رکنی اصلی در سیاست خارجی ترکیه بوده و در این مسیر یکی از تاکتیک‌های مهم به چالش کشیدن قدرت ایران بوده است. بنابراین، بحران سوریه بهترین فرصت و به عبارتی به

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

مهمترین عرصه سیاست خارجی جهت ایفای قدرت برتر بودن و به خطر انداختن منافع و توازن قوای ایران برای ترک‌ها را فراهم کرد (Torbi & Mohammadian, 2015: 72). به این ترتیب خیز ترکیه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان کشوری قدرتمند، زمینه رقابت آن با ایران و هم‌پیمانی با جبهه کشورهای عربی- غربی در سوریه را فراهم آورد. سیاست خارجی نئوعثمان‌گرایانه‌ی ترکیه در سوریه برای احیاء و نمایش هژمونی خود مبتنی بر سازکارهای متعدد سیاسی و نظامی با محوریت اقدام علیه دولت بشار اسد بود. از دیگر اقدامات آنکارا در این جهت برگزاری نشست‌های حل و فصل بحران سوریه به رهبری اپوزیسیون نظام سوریه در شهرهای مختلف ترکیه بود. در بُعد عملی نیز آنکارا با اعطای کمک‌های گوناگون به ویژه مالی و نظامی و همچنین میزبانی معارضین سوری، در کنار اپوزیسیون قرار گرفت. در سطح عینی تر و عملی تر بر مبنای حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی، به دنبال تشکیل جبهه النصره، ترکیه از این گروه حمایت کرد. حاصل جمع این اقدامات ترکیه در جهت رقابت با ایران برای نمایش هژمونی خود آن بود که در دوران تشدید بحران سوریه، آنکارا علاوه خرید قاچاقی نفت سوریه، تبدیل به گذرگاهی امن، پایگاه آموزشی و اتاق مدیریت عملیات برای مخالفان دولت سوریه شده بود (Nejat, 2016: 139). این خط رویکردی و اقدامات ترکیه به طور واضح نشان می‌داد که از همان ابتدا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف ورود فعال ترکیه به عرصه تحولات سوریه، تقابل با نفوذ ایران به عنوان بازیگر عمده‌ی منطقه‌ای رقیب و تغییر توازن به نفع خود بوده است. به واقع از منظر اردوغان حضور در سوریه مترادف با اعتبار منطقه‌ای ترکیه بود (Phillips, 2014: 6). بزرگ‌ترین مانع این اعتبار در سوریه نیز جمهوری اسلامی ایران بود و لذا ترکیه برای مقابله با این مانع هم‌زمان تضعیف سوریه و نیز تغییر زبان مقاومت با ارائه الگویی ترکی به منظور تضعیف جایگاه منطقه‌ای را دنبال کرد (Ahmadian; Daneshnia & Karamian, 2017: 159).

درک تهدید ترکیه از ایران در سوریه و تلاش برای تضعیف آن بر مبنای رقابت ناشی از دو شرایط اولیه بود. اول از همه، ترکیه، مانند اکثر کشورهای عربی سنی مذهب از جمله عربستان سعودی، امارات متحده عربی و... ایران را در درجه اول یک قدرت ژئوپلیتیکی مذهبی می‌داند. دوم، ادراک تهدید ترکیه با مساله کردی و این فرض آنکارا که ایران از شبه‌نظامیان کرد به عنوان اهرم فشار در مقابل ترکیه استفاده می‌کند، در هم تنیده شد (Azizi and Çevik, 2022: 3).

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

مجموع این که ترکیه به مانند دیگر بازیگران دشمن ایران از جمله آمریکا و اسرائیل از آغاز بحران در سوریه، در خط مقدم تقابل با ایران قرار گرفت و این تقابل مبتنی بر اهدافی مانند گسترش نفوذ در خاورمیانه، اعاده‌ی گذشته تاریخی خود، داعیه رهبری جهان اسلام و جلوگیری از افزایش نفوذ منطقه‌ای و مهار ایران بود. حاصل جمع این اهداف باعث ایجاد بازی هژمون‌سازی ترکیه در مقابل ایران شد. این مساله به اندازه‌ای برای ترکیه حائز اهمیت بود که برای رسیدن به آن حاضر شد علی‌رغم وجود شکاف ایدئولوژیکی با عربستان، اما طی بحران سوریه در کنار این کشور قرار بگیرد (Golchinpour & Gudarzi, 2022: 46).

۲-۲- رقابت ایران با ترکیه در بحران سوریه

ایران و ترکیه همواره به دنبال گسترش حوزه‌های نفوذ خود از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده‌اند به نحوی که برخی از ناظران این رقابت را به عنوان نقطه‌ی کانونی در منطقه‌ی غرب آسیا «بازی بزرگ جدید» می‌نامند (Kamrava, 2017: 3). در همین ارتباط، همان طور که بیان شد یکی از مهم‌ترین ابعاد بحران سوریه به موازات تضاد «محور مقاومت» و «محافظه کار عربی» (Asgarkhani & Abdus Salam, 2015: 16)، رقابت ایران و ترکیه در این بحران بود. در ارتباط روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه باید گفت حافظ اسد از معدود رهبران عربی بود که از انقلاب اسلامی در ایران استقبال کرد (Hesam ghazi & noori, 2017: 85). پس از آن سنگ بنای تعامل نزدیک و همگرایانه‌ی ایرانی-سوری، با حمایت سوریه از ایران در جنگ با عراق گذاشته شد. از آن زمان به بعد روابط استراتژیک دو کشور، پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، با پیشنهاد ایران مبنی بر حمایت از سوریه در مقابل تهدیدها و چالش‌ها وارد مرحله تازه‌ای شد. در مقطع بعدی خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ و ظهور دولت اسلامی (داعش) در سال ۲۰۱۴، دو نقطه‌ی عطف مهمی بودند که به ایران کمک کرد تا نفوذ خود را در سوریه را مستحکم کند. به این ترتیب با شروع بحران در سوریه، ایران در تقابل با معارضین سوری، همکاری خود با دولت اسد را به حداکثر ممکن رساند و به طور کامل در کنار این دولت قرار گرفت، چرا که دولت اسد خط قرمز سیاست خارجی ایران تلقی می‌شد. اما به موازات این امر، در سطح بازیگران خارجی دخیل در بحران، جمهوری اسلامی با ترکیه هم مجبور به رقابت شد. تأثیر این رقابت به

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

اندازه‌ای محسوس بود که به قول آتیلا یشیلادا تحلیل‌گر ترکیه: «بحران سوریه به سادگی ایران و ترکیه را مجبور به اتخاذ سیاست تهاجمی علیه یکدیگر کرد» (Bora, 2017).

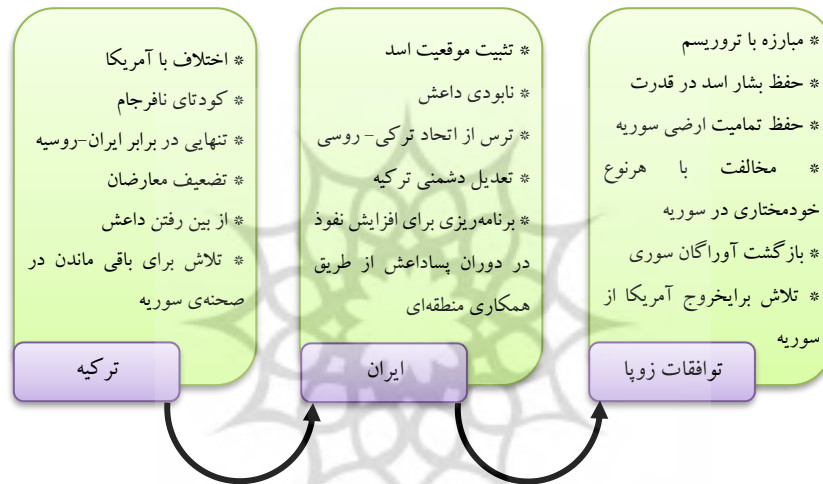
احساس تهدید ایران از ناحیه‌ی ترکیه طی بحران سوریه در درجه اول تحت تأثیر ملاحظات ژئوپلیتیکی و در سطح وسیع‌تری، ناشی از نگران نزدیکی میان ترکیه و اسرائیل در این بحران بود، چرا که این روابط می‌توانست در نهایت به ابتکارات مشترک ترکیه و اسرائیل برای تضعیف نفوذ ایران در منطقه منجر شود. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های ترکیه در سوریه را بخشی از سیاست توسعه‌طلبانه با هدف احیای کنترل ترکیه بر سرزمین‌های سابق عثمانی تلقی می‌کرد. لذا این امر، ناگزیر صحنه را برای یک بازی حاصل جمع صفر بین ایران و ترکیه در سوریه آماده کرد (Azizi and Çevik, 2022: 3). خلاصه این بحث را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سوریه به عنوان عمق استراتژیک ایران، خط مقدم مبارزه با اسرائیل و حامی اصلی جبهه‌ی مقاومت بیش از هر چیزی در تقابل با سیاست ترکیه با هدف پیشینه ساختن قدرت خود ذیل نوع‌ثمان‌گرایی قرار گرفت. به عبارت بهتر جلوگیری از تضعیف محور مقاومت، جلوگیری از کاهش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی، جلوگیری از تغییر موازنه‌ی منطقه‌ای و جلوگیری از نفوذ بیشتر دشمنان ایران به رهبری آمریکا، همگی در گرو پیروزی ایران در رقابت هژمون‌گرایی با ترکیه در بحران سوریه بود (Mahmoudikia & Farhadi, 2018: 172). محور این هژمون‌گرایی نیز حفظ دولت اسد بود چرا که در صورت سقوط او به‌عنوان خواسته‌ی ترکیه، از یک سو بعید بود دولت پسااسد در راه اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی با جمهوری اسلامی همراهی و سازگاری نشان دهد (Asgarkhani & Abdus Salam, 2015: 16) و از سوی دیگر روابط نزدیک ترکیه با اخوان المسلمین سوریه به عنوان اپوزسیون این کشور، سقوط اسد می‌توانست زمینه افزایش نفوذ آنکار را فراهم کند (Niakoi & Bahmanesh, 2011: 128).

۳- علل شکل‌گیری منطقه زویا بین ایران و ترکیه

بحران سوریه تمام نشده است. با وجود این که نبردهای اصلی و مداخلات خارجی تحت حمایت کشورهای منطقه و جهان کاهش یافته، گروه‌های سلفی و افراطی تا اندازه‌ی زیادی شکست خوردند اما رقابت‌ها همچنان پایدار مانده‌اند. به این معنا آمریکایی در بخش‌هایی از کشور مستقر هستند و

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

نیروهای روسی، نیروهای مستشاری ایران و ترکیه هم در آنجا حضور دارند. بنابراین تا زمانی که همه‌ی جغرافیای سوریه تحت کنترل دمشق نباشد، این جنگ و پیامدهای آن ادامه دارد و حل آن تا حد بسیار بالایی مستلزم توافق بازیگران حاضر در این بحران از جمله ایران و ترکیه می‌باشد. در راستای این مساله، به دلایلی بین ایران و ترکیه با مشارکت روسیه توافقاتی ذیل مدل زوپا برای کاهش و حل بحران سوریه انجام گرفت. شکل زیر نشان دهنده‌ی برخی از دلایل حرکت دو کشور به سوی توافق است:



شکل ۳. علل شکل‌گیری زوپای ترکیه و ایران و نتایج آن (نویسندگان)

همان‌طور که شکل بالا نشان می‌دهد علل مختلفی بین ترکیه و ایران باعث ایجاد زوپا بین آنها در خصوص بحران سوریه شد، ولی همه‌ی این عوامل برآمده از دو علت اساسی و زیربنایی یعنی تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران به موازات تضعیف محور اتحاد ترکیه در روند بحران سوریه بودند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۳-۱- تغییر توازن به نفع ایران (تأمین منافع ایران)

تحولات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی طی یک دهه‌ی گذشته منجر به تغییر ساخت قدرت و سیاست در منطقه‌ی خاورمیانه به نفع جمهوری اسلامی شده است. به عبارتی برون‌داد این تحولات ایران را به مهم‌ترین کشور اثرگذار بر مسائل منطقه تبدیل کرده است. امروزه نفوذ عمیق ایران در

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و... بی‌رقیب است. متحدان ایران در خط مقدم عرصه‌های سیاسی و امنیتی اغلب این کشورها نقش فعال دارند. از سوی دیگر منافع و حضور جمهوری اسلامی، مختص به جهان عرب نبوده، بلکه فراتر از این حوزه تا افغانستان و بخش‌هایی از آفریقا و آمریکای لاتین کشیده شده است. در نتیجه‌ی همین نفوذ بسیاری از تحلیل‌گران حتی مخالف ایران اعتراف می‌کنند که جمهوری اسلامی در محیط استراتژیک و پرتلاطم و متغیر منطقه عملکرد موفق‌تری داشته است (Asgharyankari, 2019: 27). در پیوست با این موضوع، با توجه به روابط تاریخی ایران و سوریه بر مبنای وابستگی متقابل امنیتی (Sun, 2009: 67)، نتیجه‌ی رویکرد ثابت ایران در سوریه باقی ماندن حضور خاندان اسد در قدرت بود. علاوه بر این در سطح بین‌المللی نیز حضور مستقیم ایران در سوریه و موفقیت‌های نظامی آن، جایگاه جمهوری اسلامی را در تعیین معادلات سوریه تقویت کرد؛ به طوری که به اعتراف همگان بدون حضور ایران، هرگونه تلاشی برای حل بحران سوریه با شکست مواجه می‌شد. به واقع منطق حاکم بر حضور ایران در سوریه تامین بازدارندگی بود و برای دستیابی به این منطق استراتژی ایرن چهار مرحله‌ی شکل‌گیری شبه‌نظامیان محلی، منطقه‌ای شدن، بین‌المللی شدن ائتلاف و در نهایت توازن در دوره پس‌ادعش را پشت سر گذاشت (Ahmadian and Mohseni, 2020: 253) که حاصل جمع آن‌ها همان تغییر توازن به نفع ایران بود. در سطح فرمانطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه همین تغییر توازن به نفع خود را به وجود آورد. به این معنا که رهبران ایران، با همراه کردن روسیه توانستند جبهه‌ی خود در مقابل غرب و ترکیه را تقویت کنند. از این منظر روسیه با تحرکات فراوان دیپلماتیک و نظامی مانع سختی در برابر تامین اهداف جبهه مقابل ایران بود. البته فارغ از همکاری با ایران، این امر برای خود روسیه نیز حیاتی بود چرا که از دست دادن سوریه به حذف آخرین ردپای روسیه در منطقه استراتژیک خاورمیانه می‌انجامید (Kiani & Khanmohammadi, 2012: 110). این اهمیت سوریه باعث شد تا روسیه با شدت و قدرت تمام از بشار اسد به عنوان دوست خود حمایت کند تا اینبار مانع از دست دادن منافع در برابر رقبای خود شود (Ashrafi & Babazadeh Jodi, 2014: 52). از سوی دیگر، در این بحران روسیه با همراه کردن چین به ایجاد موازنه به نفع ایران کمکی شایانی کرد. به این ترتیب ایران با انجام تاکتیک‌های موفق در داخل سوریه و راهبرد همگرایی با قدرت‌های دوست در سطح خارج از سوریه، زمینه‌ی افزایش نقش و نفوذ خود را فراهم کند. این راهبردها باعث شد تا جمهوری

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

اسلامی وارد معادلات بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در بحران سوریه شود. در این خصوص همکاری نظامی آشکار با روسیه در سوریه را می‌توان گام رسمی ورود جمهوری اسلامی به این عرصه قلمداد کرد. از طرفی بسیاری از اعراب منطقه استدلال می‌کردند اگر ایران قادر به حفظ نظام بشار اسد شود این به معنای پیروزی استراتژیک و تغییر توازن به نفع ایران خواهد بود (Abtahi; zamanian, 2017: 217)، امری که در نهایت به وقوع پیوست. به این ترتیب می‌توان اذعان داشت حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، باعث تقویت جایگاه آن به عنوان قدرتی برتر در منطقه شد و این امر سبب شد تا بازیگران رقیب از جمله ترکیه با اذعان به نقش فعال ایران در سوریه واقف شده و لذا به سمت وسوی مذاکره و توافق در این بحران با ایران حرکت کند.

۳-۲- تضعیف محور اتحاد ترکیه در بحران سوریه (عدم تأمین منافع ترکیه)

چشم‌امید ترکیه از همان آغاز بحران در سوریه افزایش نفوذ منطقه‌ای خود با محوریت سوریه بدون اسد (Reliefweb, 2018) و در این جهت همراهی با بلوک عربی- غربی بود. اما دولت اسد نه تنها حذف نشد، بلکه بحرانی که دامن‌گیر سوریه بود باعث شد روابط ترکیه با قدرت‌های دیگر دچار آسیب شود به نحوی که روابط این کشور با آمریکا در بدترین حالت خود قرار گرفت (Demir and Yilmaz, 2020: 7). شکاف بین ترکیه و آمریکا در سوریه که ناشی از موضع آمریکا نسبت به کردها بود باعث گرایش، نزدیکی و در نهایت تعامل رهبران ترک به اتحاد روسیه و ایران شد. پیش‌برد نشست‌های آستانه به همراهی اتحاد ایرانی- روسی در تقابل با مذاکرات ژنو به رهبری آمریکا در همین راستا قابل تحلیل است. در واقع می‌توان گفت عوامل داخلی مانند کودتای نافرجام علیه اردوغان، تحولات منطقه‌ای همچون همه‌پرسی در کردستان عراق و قدرت‌گیری کردهای شمال سوریه و در نهایت تحولات بین‌المللی مانند تضعیف بلوک متحد چاره‌ای جزء عقب‌گرد از سیاست‌های تهاجمی قبلی خود در سوریه برای انکارا نگذاشت. به این ترتیب ادراک آنکارا مبنی بر این که نه تنها قادر به تضعیف دولت اسد نخواهد بود، بلکه تداوم بحران در سوریه باعث ایجاد تهدیدی بزرگ‌تر و خطرآفرین‌تر (خودمختاری کردهای سوریه) برای ترکیه خواهد شد زمینه‌ی تغییر نگرش به این بحران را در رهبران ترک به وجود آورد. از این‌رو آنکارا برای جلوگیری از تسری بحران سوریه به داخل

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

مرزهای خود، تا حدودی کمک‌های مالی و نظامی خود به معارضین ضد دولت اسد را قطع کرد (Doraj & Masoudnia, 2017: 117). به واقع استراتژی ترکیه در بحران سوریه از آغاز تا زمان تغییر نگرش آن سه راهبرد خارج کردن اسد از قدرت با تسلیح مخالفان، کمک به قدرت‌گیری اخوان المسلمین و جلوگیری از شکل‌گیری خودمختاری کردها در شمال شرقی سوریه را دنبال می‌کرد. با تثبیت موقعیت اسد، کم‌رنگ شدن جریان اخوان به خاطر اوج‌گیری داعش و النصره و قدرت‌گیری فزاینده‌ی کردها در گوشه‌ی مرزی ترکیه هر سه راهبرد آنکارا با شکست و به بن‌بست مواجه شد (Babry & Ebrahimi, 2018: 157) که تغییر موضع نسبت به بحران ناشی از همین دست شکست‌های راهبردی بود. نتایج مذاکرات آستانه نمود بارز شکست اهداف ترکیه و تغییر سیاست تهاجمی آن به سمت همکاری و محافظه‌کاری بود (Hamidfar; Abbasi, & Kohrizi, 2017: 123). در مجموع می‌توان گفت شکست سیاست‌های ترکیه و به عبارتی برآورده نشدن اهداف آن به موازات تأمین اهداف و منافع ایران در این بحران، زمینه را برای سوق دادن رهبران ترک به تعدیل و تغییر سیاست‌ها در مواجهه با این بحران و مذاکره و توافق با ایران درباره‌ی سوریه کشاند.

۴- موارد توافق منطقه‌ی زویای بحران سوریه بین ترکیه و ایران

از نیمه‌ی دوم سال ۲۰۱۶ سوریه به روسیه برای شدت بخشیدن به حملات نظامی خود چراغ سبز نشان داد. از سوی دیگر تغییر دولت آمریکا با شعار «اول آمریکا» باعث کاهش نقش این کشور و به تبع آن نقش دولت‌های متحد آن در سوریه شد. در چنین شرایطی، ترکیه بیش از هر زمان دیگری خود را در مواجهه با روسیه و ایران به‌عنوان متحدان در سوریه تنها می‌دید. لذا در بستر این وضعیت ترکیه به موسکو نزدیک شد و از این طریق تلاش کرد به توافقاتی با روسیه دست پیدا کند. به واقع آنکارا تلاش داشت تا خود را در صحنه‌ی سوریه نگاه دارد. از طرف دیگر روسیه که به دنبال ابتکاری برای تبدیل پیروزی‌های نظامی‌اش به دستاوردهای سیاسی بود نزدیکی ترکیه به خود را پذیرفت. به این ترتیب توافقی بین دو کشور صورت گرفت که اولاً هم‌زمان حامی و حافظ معارضین مسلح و نظام اسد بود. خروجی این معادله نادیده گرفتن ایران در سوریه بود، لذا جمهوری اسلامی ایران اقداماتی در راستای ایجاد مانع برای اجرای توافق ترکی- روسی به کار گرفت. پیام این اقدامات آن بود که ایران را نمی‌توان به حاشیه راند و در نتیجه‌ی همین امر هم روسیه و ترکیه، ایران

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

را وارد معادله کردند و دور اول روند آستانه در ژانویه ۲۰۱۷ آغاز شد (Bakier, 2018). البته در این مسیر هر دولتی با وجود تفاوت در اهداف اما در نهایت در برخی موارد به توافق مشترک رسیدند که به اصطلاح آن را می‌توان موارد در محدودی زوپا نامید. از مهم‌ترین این توافقات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۴-۱- باقی ماندن بشار اسد در قدرت

با آغاز بحران در سوریه، لحن سازگاری اولیه‌ی ترکیه به انتقاد شدید و آشکار از دولت اسد و در نهایت مداخله‌ی نظامی تغییر کرد، اما ایران از ابتدا تا انتهای بحران موضع ثابت با اهدافی ثابت را دنبال کرد (Hajmohammadi & Montazerqaem, 2014: 147). از جمله موارد اختلاف بین دو دولت ترکیه و ایران در خصوص بشار اسد در قدرت بود. ایران معتقد به حفظ او و ترکیه در راستای برکنار کردن او از قدرت بود. در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران با توجه به موضع ثابت و سقوط دولت اسد به عنوان خط قرمز رویکرد آن در بحران، طبیعی بود که باقی ماندن اسد در قدرت در هر شرایط و مذاکره‌ای در چارچوب سیاست ایران قرار داشته باشد. ولی عواملی از قبیل هم‌سویی ترکیه با غرب، تلاش برای حاکم کردن اسلام لیبرال خود، تضعیف نقش ایران، حفظ روابط با دولت‌های محافظه‌کار منطقه و رژیم صهیونیستی و در نهایت تحقق رویای احیای امپراطوری عثمانی بر سیاست ترکیه در مخالفت با حضور اسد تأثیر گذاشت (Masoudnia & others, 2011: 105). با وجود این تعارض راهبردی در موضوع اسد، در نهایت، یکی از موارد و به کلام درست‌تر مهم‌ترین موردی که ترکیه و ایران در محدوده‌ی زوپا بر روی آن به توافق رسیدند حفظ دولت بشار اسد در قدرت بود. البته در این خصوص نباید نقش همراهی و همگرایی ایران و روسیه در مخالفت با هر گونه تغییر اساسی در نظم سیاسی حاکم بر سوریه را نادیده گرفت. تهران و مسکو طی سال‌های گذشته با همه‌ی طرح‌هایی که پیش‌شرط آن کناره‌گیری اسد از قدرت بود، مخالفت می‌کردند. روسیه حاکمیت فعلی سوریه را برای پیشبرد راهبردهای ژئوپلیتیک خود در غرب آسیا مناسب‌تر می‌دانست و جمهوری اسلامی ایران نیز نشان داده بود حمایت تام و تمامی از نظام سیاسی فعلی سوریه با حضور اسد در قدرت دارد (وفایی فرد و طالبی آرانی، ۱۳۹۸: ۱۰۸)؛ لذا همگرایی جدی و در بالاترین سطح بین روسیه و ایران حول هدف اصلی خود یعنی حفظ رژیم اسد (Grajewski, 2021: 1) به نوعی ترکیه را مجبور به پذیرش این هدف مشترک آن‌ها کرد.

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

پیروزی‌های اسد و تغییر سیاست ترکیه به سوی محور ایران با انفغال هر چه بیشتر محور غربی- غربی همراه بود. از اینرو حمایت ترکیه و آمادگی دولت اسد و بخش عمده‌ای از جریان معارضان شرایط لازم برای آتش‌بس و آغاز تدریجی حل بحران طولانی‌مدت سوریه را فراهم نمود (تقی‌لو و خیری، ۱۳۹۹: ۷۴). در این فرآیند ترکیه در یک تغییر چشمگیر در سیاست خارجی، به دنبال عادی‌سازی روابط با دمشق حرکت کرد که بخشی از آن در راستای سیاست گسترده‌تر آنکارا برای ترمیم حصارها با رقبای منطقه‌ای سابق خود بود. از اینرو در بیستمین دور مذاکرت آستانه (خرداد ۱۴۰۲) در سطح معاونان وزرای امور خارجه روسیه، ایران، سوریه و ترکیه، مقامات ترک نقشه‌ی راه احیای روابط میان خود و سوریه را مورد بحث و بررسی قرار دادند. براین اساس می‌توان گفت تغییر جهت ترکیه از میزبانی نشست‌های معارضین دولت اسد به میزبانی نشست‌های حفظ او بالاترین وجه ایجاد توافق با ایران در منطقه‌ی زویا بین دو کشور بود. از مهم‌ترین دلایل این تغییر جهت ترکیه و حرکت در محدوده‌ی زویا با ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. به دست گرفتن ابتکار عمل در سوریه با سقوط بوکمال از سوی روسیه و ایران؛ ۲. سقوط هواپیمای روسی و سیاست‌های پوتین علیه ترکیه؛ ۳. بروز بی‌اعتمادی در روابط ترکیه و غرب؛ ۴. بروز اختلاف ایدئولوژیک بین دو اردوگاه سلفی به رهبری عربستان و اخوانی به رهبری ترکیه (Doraj & Masoudnia, 2017: 98).

۲-۴- حفظ تمامیت ارضی سوریه و جلوگیری از هرگونه خودمختاری

دومین موردی که ترکیه و ایران بر سر آن به توافق رسیدند جلوگیری از تجزیه‌ی سوریه و ایجاد مناطق خودمختار کردی در این کشور است. در این ارتباط نگرانی آنکارا استقلال کردهای سوریه است که موجب تحریک کردهای ترکیه خواهد شد. به واقع آنکارا نگران بود که قدرت‌یابی کردهای سوریه، جنبش‌های جدایی‌طلبانه را در ترکیه تهییج و تقویت کند و در کنار آن «پ ک ک» از آن به‌عنوان فرصتی برای تشدید فعالیت‌های خود در این کشور بهره‌برداری نماید. لذا راهبرد امنیت ملی ترکیه در جهت محاصره و تضعیف حزب اتحاد دموکراتیک حرکت کرد (Sadeghi & Rahimi, 2017: 42). برای رسیدن به این هدف آنکارا عملیات‌هایی از جمله سپر فرات و دیگر تحرکات نظامی را برای مقابله با پیشروی کردها و جلوگیری از ایجاد منطقه حائل در شمال سوریه اجرا کرد. به موازات ترکیه، ایران نیز همچون آنکارا با تشکیل و خودمختاری کردها در سوریه مخالف بود. علت این اشتراک نظر آن بود که هر دو کشور با جنبش‌های جدایی‌طلب کردی با ابعاد

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

مختلفی روپرو هستند. در راستای مخالفت با تقویت و احیاء همین جنبش بود که تهران و آنکارا در سال ۲۰۱۷ برای لغو همه‌پرسی استقلال کردستان که توسط دولت اقلیم کردستان در شمال عراق برگزار شد، با بغداد متحد شدند. البته همان طور که بیان شد مسأله کردی برای هر دو کشور وزن یکسانی ندارد، به این معنا که ترکیه جدایی طلبی کردها را یک تهدید اصلی وجودی می‌داند در حالی که ایران آن را یک تهدید امنیتی کمتر جدی تلقی می‌کند (Yacouban, 2023). خلاصه آن که با توجه به این موضع مشترک ترکیه و ایران، می‌توان گفت در تمامی بیانه‌های آستانه این مهم مورد تأکید قرار گرفت. به‌عنوان مثال تأکید بر حاکمیت، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه مفاد اصلی بیانه پایانی دور ششم مذاکرات آستانه را تشکیل داد. همچنین در نهمین نشست این مذاکرات بیانه‌ای ۹ ماده‌ای صادر شد که در آن مجدداً بر حفظ وحدت و تمامیت ارضی سوریه که از سوی همگان باید مورد احترام قرار گرفته و از هر اقدامی که ناقض آن بوده اجتناب شود تأکید شد. در ادامه‌ی همین روند توافق برای حفظ حاکمیت و وحدت سوریه، در یازدهمین دور نشست آستانه کشورهای ترکیه و ایران و روسیه عزم خود را برای مقابله با دستور کارهای جدایی طلبانه با هدف تضعیف حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه ابراز نمودند. این تأکیدات در دوره‌ی سیزدهم باز نمود برجسته‌ای داشت که در ادامه‌ی آن طی نشست هیجدهم به‌عنوان مهم‌ترین دور مذاکرات در راستای حفظ حاکمیت سوریه، نمایندگان ترکیه، ایران و روسیه به‌عنوان ضامن چارچوب آستانه به توافق رسیدند.

۳-۴- بازگشت آوارگان سوری

قریب شش میلیون سوری که طی مدت بحران در این کشور به اردن، لبنان، ترکیه، عراق، مصر و اروپا پناهنده شده‌اند، شهادی بر اثرات این بحران در خارج از مرزهای آن است. در حالی که تعداد کمی از این آوارگان به سوریه بازگشته‌اند، جذب آن‌ها در کشورهای میزبان، بر تعادل جمعیتی این کشورها و به نوبه‌ی خود بر وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی آن‌ها قاعدتاً تأثیر خواهد گذاشت. اما طی سال‌های اخیر که درگیری‌ها خاموش شده، یک انتقال ملموس از اقدام پناهندگان به مهاجرت منفی و خروج از کشورهای میزبان قابل مشاهده بوده است (Kaduri and Essa, 2022). در ارتباط با این مورد، حل مسأله پناهندگان سوری از آغاز بحران در این کشور از اولویت‌های دولت ترکیه بود. از سوی دیگر این مسأله تبدیل به منبعی مشروع برای ترکیه شد که

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

براساس آن بارها حمله به سوریه را توجیه و یا به‌عنوان ابزاری اتحادیه اروپا را برای دریافت بودجه تحت فشار قرار می‌داد. اما با این وجود چالش‌های این مسأله برای ترکیه بسیار بیشتر از فرصت‌های آن بود. به این دلیل که ورود چیزی کمتر از حدود چهار میلیون پناهجوی سوری به ترکیه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ مهم‌ترین تغییر جمعیت این کشور در بیش از یک قرن بود. وضعیت به‌ویژه در سال ۲۰۱۴ حساس شد، زمانی که بیش از یک میلیون پناهجوی سوری وارد ترکیه شد. بنابراین دولت ترکیه کنترل بر مرزهای جنوبی خود را تشدید و برنامه‌ریزی برای ایجاد مناطق امن در شمال سوریه برای جابجایی پناهجویان را آغاز کرد (Siccardi, 2021).

با فروکش کردن بحران و همراهی ترکیه با محور روسیه و ایران، تأکید بر حل مسأله آوارگان از توافقات صورت گرفته بین این کشورها بود. جمهوری اسلامی ایران اگرچه به مانند ترکیه با چالش داخلی به دلیل عدم حضور پناهندگان سوری مواجه نبود، اما از منظر بشردوستانه در توافق برای حل این مسأله با ترکیه همراه شد. به عنوان مثال در سیزدهمین دور مذاکرات آستانه دو کشور با همراهی روسیه، بر تسهیل بازگشت ایمن و داوطلبانه آوارگان و اشخاص بی‌خانمان شده‌ی داخلی به مناطق اصلی زندگی‌شان در سوریه و اطمینان از حق بازگشت و حمایت از آن‌ها تأکید کردند. آن‌ها همچنین آمادگی خود برای تعامل با تمامی طرف‌های ذی‌ربط شامل دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و دیگر آژانس‌های بین‌المللی تخصصی را اعلام کردند. در دور هیجدهم مجدداً دو طرف تسهیل بازگشت امن، شرافتمندانه و داوطلبانه‌ی پناهجویان و آوارگان داخلی به سکونتگاه اصلی خود در سوریه با رعایت قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حصول اطمینان از برخورداری آنان از حق بازگشت و حق حمایت را به عنوان هدف ضروری خود مورد توافق قرار دادند.

۴-۴- بازسازی سوریه

حتی اگر جنگ در سوریه هنوز تمام نشده باشد، ولی دولت اسد از نظر نظامی در جنگ داخلی پیروز شده است. این به معنای آغاز روند بازسازی این کشور است. بر همین اساس بازسازی سوریه در سال‌های اخیر شروع شده، اما نه بر مبنای یک برنامه جامع سراسری و با بودجه بین‌المللی بلکه در عوض، بازیگران مختلف پروژه‌ها را عمدتاً در سطح محلی اجرا می‌کنند. اگرچه رژیم اسد قاطعانه تأکید کرد مشارکت خارجی در بازسازی را تنها از سوی کشورهای دوست می‌پذیرد اما این کشورها

فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام

به تنهایی قادر به انجام چنین کاری نبودند (Asseburg, 2020)، لذا از دیگر موارد توافق بین ترکیه و ایران در محدوده‌ی زویا بحث بازسازی سوریه بود. بازسازی سوریه برای ایران باید دربردارنده دو هدف استراتژیک باشد. اول ایجاد کننده‌ی ادامه‌ی حضور ایران از طریق مهندسی مجدد بافت شهری و اجتماعی به‌ویژه در مناطق دارای اهمیت ژئواستراتژیک، مذهبی مانند دمشق، حلب و دیرالزور و دوم توسعه منافع مستقیم اقتصادی از طریق معاهدات بلندمدت به‌ویژه در زمینه‌ی سوخت، مخابرات، ساخت‌وساز ساختمانی (Othman Agha, 2022: 1). در ارتباط با نقش ترکیه در بازسازی سوریه پس از جنگ طبیعتاً دولت اسد با توجه به حمایت این کشور از گروه‌های معارض علاقه‌ی چندانی به دادن سهمی از بازسازی به ترکیه نداشت، اما کنترل ترکیه بر بخش قابل توجهی از شمال سوریه و نیز همکاری آن با روسیه حذف آنکارا از این محاسبه دمشق را دشوار می‌کرد. از سوی دیگر نزدیکی جغرافیایی، برتری لجستیکی و ظرفیت پیشرفته‌ی بخش ساخت‌وساز عوامل مؤثر دیگر در گرایش دمشق به حضور ترکیه برای بازسازی در این کشور بود (Tastekin, 2018). به طریق ایران، اردوغان استراتژی ترکیه در روند بازسازی سوریه را مبتنی بر دو هدف می‌دانست. هدف اول یعنی خنثی‌سازی شبکه‌های تروریستی ناشی از نگرانی‌های امنیتی و مرزی بود و هدف دوم ترکیه نیز به اذعان اردوغان توجه به بُعد انسانی بحران یعنی بازسازی با درهم‌تنیدگی ارزش‌های اخلاقی بود (Aslan, 2019: 38). به هر رو ترکیه با توجه به منافع سرشار حضور در بازسازی سوریه، در چند سال اخیر راه‌اندازی سیستم‌های امنیتی، آموزشی، مذهبی و ساخت شبکه راه را در مناطق تحت کنترل خود آغاز کرده است. نکته بسیار مهمی که در این خصوص باید به آن توجه کرد این که اگرچه یکی از اهداف اصلی آنکارا بازسازی حلب برای ایجاد آن به‌عنوان پایگاه دائمی است که با مخالفت ایران مواجه شده، اما پیشتازی ترکیه در روند سرمایه‌گذاری و بازسازی سوریه نسبت به ایران امری است که نباید از آن غافل شد.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحران سوریه به‌عنوان واقعی‌ترین بحران بین‌المللی طی چند دهه‌ی اخیر حضور و نفوذ بازیگران خارجی در سطح جهانی و منطقه‌ای بود که زمینه‌ی طولانی شدن و پیچیدگی آن را به وجود آورد. از این منظر هر یک از بازیگران حاضر در این بحران اهداف

شکل‌گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

استراتژیکی داشتند که در تقابل با اهداف یک یا چند بازیگر دیگر حاضر در این بحران قرار داشت. از مهم‌ترین این دولت که با انگیزه‌های گوناگون در سوریه حضور داشتند، ایران و ترکیه به‌عنوان دو بازیگر مهم و قوی منطقه‌ای بودند. تقابل این دو بازیگر از همان ابتدای شروع بحران در حضور آن‌ها در بلوک‌بندی‌ها نمایان شد. به این معنا که ترکیه در بلوک عربی- غربی و ایران در بلوک روسیه قرار گرفت. از طرفی بعد مهم‌تر تقابل این دو بازیگر بر سر بشار اسد بود به این معنا که ترکیه خواهان سقوط اسد و ایران حامی حفظ او به عنوان مهم‌ترین متحد منطقه‌ای جمهوری اسلامی بود. ثبات رویکردی در برابر تغییر مواضع، حمایت از اسد در برابر حمایت از معارضین، تقابل نظامی با داعش در برابر سکوت در قبال آن از دیگر نمودهای تقابل بین ایران و ترکیه در بحران سوریه بود. چارچوب این تقابل حاکی از آن بود که امکان دستیابی به حتی مذاکره در بحران سوریه بین دو کشور ایران و ترکیه وجود ندارد، اما تغییر شرایط بین‌المللی مانند جدایی ترکیه و آمریکا و تضعیف محور عربی- غربی به موازات تحول در شرایط داخلی ترکیه زمینه‌ی گرایش آنکارا به همراهی با ایران و روسیه به‌عنوان محور پیروز بحران سوریه را به وجود آورد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران که نگران اتحاد و همگرایی ترکی- روسی بود، این گرایش ترکیه را برای به حاشیه نرفتن در سوریه به دیده‌ی فرصت‌نگریست. بنابراین دو کشور با وجود اختلافات اساسی طی سلسله نشست‌هایی در نهایت به توافقاتی در ارتباط با سوریه دست یافتند که از مهم‌ترین آن‌ها توافق برای باقی ماندن اسد در قدرت، حفظ تمامیت ارضی سوریه و جلوگیری از ایجاد مناطق خودمختار در این کشور، حمایت از بازگشت آوارگان سوری و در نهایت بازسازی سوریه بود. این موارد نشان دهنده‌ی نقاط مورد توافق ذیل منطقه‌ی زویا بین دو کشور ایران و ترکیه پس از نزدیک به یک دهه اختلاف در بحران سوریه بود.

Translated References to English

- Abtahi, S. M., zamanian dehkordi, S.S., Taheri, A. (2021). A Study of the Transnational Policies of the Islamic Republic of Iran and the Security of Iran and the Middle East. *The Islamic Revolution Approach*, 14(53), 205-222 (In Persian)
- Ahmadian, Hassan and Mohseni, Payam. (2020). Iran's Syria Strategy: The Evolution of Deterrence. PP. 231-262, in: *Deterrence in the 21st Century: Insights from Theory and Practice*, Netherlands: Asser Press.

- Ahmadian, G., Daneshnia, F., Karamian, K.R. (2017). Identity and Middle Eastern Foreign Policy of Iran and Turkey in Syria. *World Politics*, 5(4), 173-141 (**In Persian**)
- Alfajri, Luerdi. (2018). Turkey's Foreign Policy Strategy Change in Syrian Crisis (2016-2017). *Jurnal Hubungan Internasional*, 7(1): 48-59.
- Aslan, murat. (2019). *turkey's teconstruction todel in tyria*, İstanbul: SETA.
- Asgarkhani, A.M., Abdus Salam, T. (2015). A comparative study of the foreign policy of Iran and Turkey regarding the Syrian crisis from 2015 to 2010. *Specialized Quarterly of Political Science*, 12(37), 7-40 (**In Persian**)
- Asseburg, M. (2020). Challenges and Policy Options for the EU and its Member States, in: *Stiftung Wissenschaft und Politik*, Available at: <https://www.swp-berlin.org/10.18449/2020RP11/>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Asgharyankari, Z. (2019). Sardar Soleimani's strategies to solve the crises in the West Asian region. In: *Second International Conference on the Second Step of the Revolution*, (2), 1-23 (**In Persian**)
- Ashrafi, A., Babazadeh Jodi, A.S. (2014). The foreign policy of Russia and the United States regarding the Syrian crisis. *International Relations Studies Quarterly*, 8(32), 65-43(**In Persian**)
- Azizi, Hamidreza and Çevik, Salim. (2022). Turkish and Iranian Involvement in Iraq and SyriaCompeting strategies, *Stiftung Wissenschaft und Politik*, 58: 1-8 (doi:10.18449/2022C58).
- Babry, N., Ebrahimi, S. (2018). Syrian Crisis and Its Impact On the National and Regional Interests of Turkey. *International Relations Researches*, 8(2), 121-148 (**In Persian**)
- Bakier, A.H. (2018). Astana process, common and different goals of the guarantor governments. *Iranian diplomacy* (**In Persian**)
- Bora, Birce. (2017). What is behind the hostility between Iran and Turkey?. in: *AlJazeera*, Available at: <https://www.aljazeera.com/features/2017/2/26/what-is-behind-the-hostility-between-iran-and-turkey>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Clarka, William A. and Lisowskib, William. (2017), Prospect theory and the decision to move or stay. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 114(36): 1-9.
- Demir, Sertif and Yilmaz, Muzaffer Ercan. (2020). An Analysis of the Impact of the Syrian Crisis on Turkey's Politic Military, Social and Economic Security. *Gazi Akademik Bakis Dergisi; Ankara*, 13(26): 1-19.
- Doraj, H., Masoudnia, H. (2017). Processing the reasons for the transformation in Türkiye's foreign policy towards the Syrian crisis. *Journal of Defense Policy*, 26(14), 105-73 (**In Persian**)
- Duerfeldt, Austin. (2018). Gold Star Negotiations: ZOPA. in: *CropWatch*, Available at: <https://cropwatch.unl.edu/2018/gold-star-negotiations-zopa>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Grajewski, Nicole. (2021). The Evolution of Russian and Iranian Cooperation in Syria. in: *CSIS*, Available at: <https://www.csis.org/analysis/evolution-russian-and-iranian-cooperation-syria>. (Accessed on: 02 October 2023).

شکل گیری منطقه‌ی زویا بین ایران و ترکیه در بحران سوریه

- Golchinpour, A., Gudarzi, M. (2022). Regional relations between Iran and Türkiye after the developments in Syria (2010-2017). *Political and International Research Quarterly*, 14(52), 41-51 **(In Persian)**
- Hajmohammadi, A., Montazerqaem, M. (2014). media and international and regional crises; Analysis of default criticisms of Turkish press news articles about the Syrian crisis. *Journal of Political Science*, 11(1), 145-177 **(In Persian)**
- Hamidfar, H., Abbasi, M., Kohrizi, F. (2017). The Syrian crisis and the confrontation between the two different strategies of Iran and Türkiye in crisis management in the West Asian region. *Bi-Quarterly Journal of Politics and International Relations*, 3(3), 113-137 **(In Persian)**
- Hesam ghazi, R., noori, M. (2017). Analyzing the Geopolitical Position of Islamic Iran as the Central Force in the Global System. *Crisis Studies of the Islamic World*, 4(2), 79-100. doi: 10.2783.4999/QJPR.2003.1107.074 **(In Persian)**
- Kaduri, Eden and Essa, Jony. (2022). ۱۱ Years of War in Syria: Situation Assessment. in: *INSS*, Available at: <https://www.inss.org.il/publication/syria-war-11-years/>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Kamrava, Mehran. (2017). *The Great Game in West Asia: Iran, Turkey and the South Caucasus*, New York: Oxford University Press.
- khiri, M., tagylu, F. (2021). Turkey, the Syrian crisis and the policy of confronting the rise of Kurdistan. *Iranian Research letter of International Politics*, 9(1), 55-84 **(In Persian)**
- Kiani, D., Khanmohammadi, Z. (2012). Analyzing the causes of Russia's presence in the Syrian crisis. *Strategy Quarterly*, 22(69), 114-87 **(In Persian)**
- Mahmoudikia, M., Farhadi, A. (2018). A comparative study of the foreign policy of Iran and Türkiye regarding the Syrian crisis based on the theory of constructivism. *International Relations Studies Quarterly*, 12(47), 151-178 **(In Persian)**
- Masoudnia, H., others. (2011). Türkiye and the Syrian crisis; From mediation to supporting government opponents. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 1(4), 110-83 **(In Persian)**
- Merino, Marcela. (2017). Understanding ZOPA: The Zone of Possible Agreement. in: *Harvard Business School Online*, Available at: <https://online.hbs.edu/blog/post/understanding-zopa>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Mintz, Alex and Sofrin, Amnon. (2017). Decision Making Theories in Foreign Policy Analysis. in: *Oxford Research Encyclopedia*, Available at: <https://oxfordre.com/politics/display/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-405>. (Access 2 October 2023).
- Nejat, S.A. (2016). *Syrian crisis and regional actors*. Tehran: Abrar Contemporary Publications **(In Persian)**
- Niakoi, A., Bahmanesh, H. (2011). Opposition actors in the Syrian crisis: goals and approaches. *Foreign Relations Quarterly*, 4(4), 97-128 **(In Persian)**
- Hesam ghazi, R., & noori, M. (2017). Analyzing the Geopolitical Position of Islamic Iran as the Central Force in the Global System. *Crisis Studies of the Islamic World*, 4(2), 79-100 **(In Persian)**

- Oliveira Dias, Murillo. (2019). People, Process, and Substance: Current Definitions on Negotiation. *International Journal of Commerce and Economics*, 1(4): 1-9.
- Othman Agha, Munqeth. (2022). The Selective Reconstruction of Syria: Challenges for EU Policy. in: *Istituto Affari Internazionali*, Available at: <https://www.iai.it/sites/default/files/iaicom2245.pdf>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Phillips, Christopher. (2014). Into the Quagmire: Turkey's Frustrated Syria Policy. in: *Chatham House*, Available at: https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Middle%20East/1212bp_phillips.pdf. (Accessed on: 02 October 2023).
- Reliefweb. (2018). The Many Roles of Turkey in the Syrian Crisis. in: *Reliefweb*, Available at: <https://reliefweb.int/report/turkey/many-roles-turkey-syrian-crisis>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Sadeghi, S. S., Rahimi, A. (2017). KURDISH DIASPORA AND GEOPOLITICAL INTERESTS ROLE IN TURKEY'S STRATEGY TRANSITION IN IRAQ AND SYRIA KURDISTAN REGIONS(2003-2015). *POLITICAL QUARTERLY*, 47(2), 411-430 (In Persian)
- Siccardi, Francesco. (2021). How Syria Changed Turkey's Foreign Policy. in: *Policy Commons*, Available at: <https://policycommons.net/artifacts/1815392/how-syria-changed-turkeys-foreign-policy/2551695/>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Sun, Degang. (2009). Brothers Indeed: Syria-Iran Quasi-alliance Revisited. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 3(2): 67-80.
- Tastekin, Fehim. (2018). Turkey wants its share of Syria's reconstruction. in: *Al-Monitor*, Available at: <https://www.al-monitor.com/originals/2018/08/turkey-syria-ankara-wants-its-share-in-reconstruction.html>. (Accessed on: 02 October 2023).
- Torbi, G., Mohammadian, A. (2015). An Explanation of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran towards Syria In terms of defensive realism. *Crisis Studies of the Islamic World*, 2(2), 61-90. doi: 10.2783.4999/QJPR.2002.1103.033 (In Persian)
- Vafaiefard, F., Talebi Arani, R. (2018). The future of relations between Iran and Russia over Syria: cooperation or conflict? *Islamic World Political Research Quarterly*, 9(4), 118-93 (In Persian)
- Yacouban, Mona. (2023). Ukraine's Consequences Are Finally Spreading to Syria. in: *War On the Rocks*, Available at: <https://warontherocks.com/2023/01/ukraines-consequences-are-finally-spreading-to-syria/>. (Accessed on: 02 October 2023).

